تاریخ و جغرافیا

کتاب ماه

۱۷۸

ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب
دوره جدید / شماره مسلسل ۱۷۸
اسفند ۱۳۹۱ / قیمت ۱۵۰۰ تومان



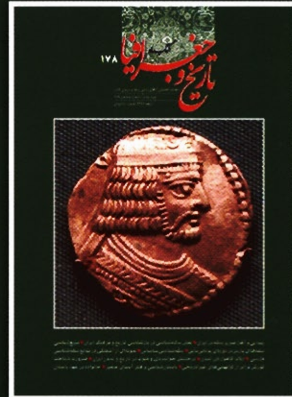


کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

ماهنامه تخصصی

اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب

شماره مسلسل ۱۷۸



صاحب امتیاز: خانه کتاب

سردبیر: حبیب‌اله اسماعیلی

هیأت تحریریه: دکتر حسن حضرتی، دکتر حسن رضائی باغ‌بیدی، دکتر مهدی فرهانی منفرد، دکتر حسین مفتخری، دکتر شهرام یوسفی فر

همکاران علمی نشریه:

دکتر علی ططری، دکتر زهیر صیامیان، دکتر پدرام جم

مدیر داخلی: فاطمه اسماعیلی

ویراستار: دکتر پدرام جم

فهرست و چکیده انگلیسی: دکترجواد مرشدلو

طراح و گرافیست: معاد طبری

ناظر چاپ: رحمان کیانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

چاپ سروش

مسئول بخش اشتراک و توزیع: بهمن محبی

تلفن بخش اشتراک و توزیع: ۸۸۳۴۲۹۸۵

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین، شماره ۱۰۸۰، صندوق پستی ۳۹۵_۱۳۱۴۵

تلفن: ۶۶۴۹۶۹۷۷

Website: www.ketabmah.ir

E_mail:

Ketabemah.tarikh@gmail.com

Habiballah_esmaili@yahoo.com

«**کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**»، نشریه‌ای است با هدف اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی و کمک به ارتباط هرچه بیشتر میان پژوهشگران و پدیداورندگان که به صورت ماهانه از سوی «**خانه کتاب**» منتشر می‌شود.

«کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» بر اساس رده‌بندی دهدهی دیویی، به نقد و بررسی کتاب‌های حوزه تاریخ و جغرافیا می‌پردازد. در هر شماره نقد و بررسی تعدادی از متون و منابع تاریخ و جغرافیا، معرفی برخی نشریات ادواری این حوزه، بزرگان تاریخ و جغرافیا، پایگاه‌های اینترنتی و اخبار مربوط به این حوزه منعکس می‌شود. در لوح فشرده ضمیمه این نشریه، فهرست کامل کتاب‌های منتشرشده ماه گذشته، که با مجوز فرهنگ و ارشاد اسلامی انتشار یافته و در نظام اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» وارد شده‌اند بر اساس رده‌بندی دهدهی دیویی ارائه می‌شود.

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ضمن سپاس از همه عزیزانی که یاریگر ما بوده‌اند، از نویسندگان و مترجمان گرامی درخواست می‌کند به نکات زیر، در تنظیم مقالات، توجه فرمایند.

راهنمای نگارش مقالات کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

۱.محورهای مقالات

■ نقد و بررسی کتب تازه منتشر شده در حوزه‌ی تاریخ و جغرافیا

■ مبانی نظری موضوع هر شماره نشریه (اعلام شده در داخل جلد و به صورت سالانه)

■ پیشینه‌ی تحقیق و ادبیات موضوع مرتبط با موضوع هر شماره نشریه

■ معرفی و تحلیل نسخه خطی و سند تازه‌یاب یا ناخوانده در حوزه تاریخ و جغرافیا

■ تحلیل و ارائه دیدگاه جدید از منابع اصلی و دست اول تاریخ و جغرافیا

۲.شیوه‌ی نگارش

■ مقالات در نشریه دیگر به چاپ نرسیده و یا همزمان برای نشریات دیگر ارسال نشده باشد.

■ در ابتدای مقاله، چکیده فارسی در قالب ۲۵۰ ـ ۲۰۰ کلمه ارائه شود.

■ واژگان کلیدی مقاله در ۸ـ ۳ کلمه تهیه شود.

■ مقاله شامل عنوان، مقدمه، مواد و روش‌ها، بحث، نتیجه‌گیری و منابع باشد.

۳.شیوه‌ی تنظیم

■ مقالات به صورت تایپ‌شده بر روی کاغذ A4 و با واژه پرداز word و در دو نسخه ارائه شود. ارسال لوح فشرده مقالات الزامی است.

■ در صفحه اول، عنوان کامل مقاله به فارسی و انگلیسی، نام و نام خانوادگی، رتبه و سمت علمی و آدرس و شماره تلفن نویسنده یا نویسندگان مقاله ذکر شود.

■ در مقالاتی که نقد یک کتاب هستند، در ابتدای مقاله مشخصات کتاب‌شناختی اثر مورد بررسی به این ترتیب ذکر شود: عنوان اصلی و فرعی اثر؛ نام و نام خانوادگی صاحب اثر؛ نام و نام خانوادگی مترجم (برای کتاب‌های ترجمه شده)؛ محل نشر، نام ناشر، نوبت و سال چاپ، تعداد صفحات، شابک.

■ جدول‌ها، نقشه‌ها و تصاویر مرتبط با کتاب، با مشخصات کامل و با فرمت JPEG (در صفحه word) قابل استفاده نیست، ارسال شوند.

■ معادل غیرفارسی نام‌ها، واژه‌ها و اصطلاحات به صورت پی‌نوشت و در انتهای مقاله آورده شود.

■ رونوشت اصلی متون ترجمه شده، همراه با اطلاعات کامل کتاب شناختی متن اصلی ارسال شود.

٤.شیوه‌ی ارجاع

■ ارجاعات داخل متن، درون پرانتز و به ترتیب زیر خواهد بود: نام نویسنده، سال انتشار اثر، شماره صفحه. مثال: (پیرنیا، ۱۳۸۱، ص ۸۰). اطلاعات کامل آثار در صفحه‌ای جداگانه تنظیم و به ترتیب زیر نگارش شود:

■ مقاله: نام خانوادگی نویسنده(گان)، نام نویسنده(گان)، سال انتشار، عنوان مقاله (با حروف ایرانیک)، نام و نام خانوادگی مترجم (درصورتی که مقاله ترجمه شده باشد)، نام اختصاری مجله، سال انتشار، نام مجله، دوره مجله، شماره مجله، شماره صفحات. مثال: یاسمی، رشید ۱۳۱۳: «اندرزاوشنر دانا»، مهر، س۲، ش۷، صص: ۴۵ـ۴۰.

■ کتاب: نام خانوادگی نویسنده(گان)، سال انتشار، عنوان کتاب (با حروف سیاه)، شماره چاپ، شماره جلد، محل انتشار، نام ناشر. مثال: بامداد، مهدی، ۱۳۴۷، **تاریخ رجال ایران**؛ چاپ اول، جلد۲، تهران، انتشارات زوار.

■ ارجاع به پایگاه اینترنتی: نشانی + تاریخ دقیق بازدید

۵.طول مطالب

■ طول مطالب بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ واژه در واژه‌پرداز word باشد.

٦.زمان انتشار منابع انتخاب شده برای نقد و بررسی، حداکثر دو سال گذشته و چاپ اول باشد.

***

برنامه‌ی مصوب شش ماه اول سال ۱۳۹۲
کتاب ماه تاریخ وجغرافیا

بهار:

- **فروردین:** تکاپوهای استعماری در خلیج فارس
- **اردیبهشت:** تاریخ شفاهی و رویکردهای میان رشته ای
- **خرداد:** آناتولی وقفقاز و فرهنگ ایرانی_ اسلامی

تابستان:

- **تیر:** سنخ شناسی تاریخ نگاری دوره میانه ایران(مغول-تیموری)
- **مرداد:** ایران و اسلام در سنت های شرق شناسی
- **شهریور:** دادوستد تاریخ وفلسفه

فهرست

سرسخن

نشست

نظرگاه

کنکاش

بازتاب

تاریخ‌نگار

پرتوهای تلاش

همین‌ماه

ضرورت شناخت کورش فراتر از کژفهمی‌های غیرتاریخی

گفت‌وگوی امیرکاوس بالازاده
با دکتر عبدالمجید ارفعی

از **ذوالقرنین** در قرآن کریم و احادیث به عنوان مصلحی که خداوند همانند **حضرت سلیمان نبی(ع)** به او ملک ارزانی داشته است، نام برده می‌شود که ملجأ مظلومان و دفع‌کننده‌ی ظلم ظالمان بوده است. مورخان اسلامی در طول تاریخ در پی انطباق **ذوالقرنین** با شخصیتی تاریخی بوده‌اند. عده‌ای از مفسران و مورخان متأخر و معاصر، نظیر **استاد علامه طباطبایی** در المیزان معتقدند که **ذوالقرنین** همان **کورش** است. در عین حال، برخی پژوهشگران در مورد شخصیت تاریخی **کورش** راه مبالغه در پیش گرفته و بیش از حد وی را ستوده‌اند. برای شناخت بیش‌تر تاریخی این شخصیت نامبردار، به سراغ **دکتر عبدالمجید ارفعی**، استاد زبان‌های اکدی و ایلامی، و برگرداننده‌ی دو کتاب گِل‌نبشته‌های باروی تخت‌جمشید و لوحه‌ی کورش بزرگ که هر دو اثر توسط «دائره‌المعارف بزرگ اسلامی» انتشار یافته‌اند، رفته‌ایم و با ایشان در مورد لوحه‌ی **کورش** و شخصیت تاریخی وی و نیز الواح به‌دست‌آمده از تخت‌جمشید به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

کمی از خودتان بگویید؟

- متولد ۹ شهریور ماه ۱۳۱۸ کوه گنو بندرعباس هستم. دوران ابتدایی را در یزد و بندرعباس و تهران خواندم. در دبیرستان‌های البرز و دارالفنون ادامه‌ی تحصیل دادم. لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفتم که البته در آن روزگار فقط در همان دانشگاه وجود داشت. برای دکتری به دانشگاه پنسیلوانیا رفتم و بعد از هفت-هشت سالی هم در دانشگاه شیکاگو تحصیل کردم و مدرکم را از آن‌جا گرفتم.

زمینه‌ی تخصصی کارتان چیست؟

- زبان‌های ایلامی و اکدی (Akkad).

شما در طول تحصیل در ایران و خارج استادان برجسته‌ای داشته‌اید، از آن‌ها بگویید؟

- بله، واقعا همین‌طور است. در مقطع دبیرستان از محضر استادانی هم‌چون **زین‌العابدین مؤتمن، دکتر محمود بهزاد** و **دکتر جلال متینی** بهره برده‌ام. در دوره‌ی لیسانس استادانم شادروانان **پورداود، دکتر معین، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال همایی، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر خانلری، دکتر کیا** و استادان **گوهرین، مدرس رضوی** و **بدیع‌الزمانی** بودند. در دانشگاه پنسیلوانیا از دانش **پروفسور آیخلر** (Eichler) و **پروفسور شوبرگ** (Sjoberg) بهره‌مند شده‌ام. در دانشگاه شیکاگو هم استادانم **پروفسور گِلب** (Gelb)، **پروفسور اپنهایم** (Oppenheim)، **پروفسور راینر** (Reiner) و **پروفسور راتن** (Rowten)

بوده‌اند که همگی روی در نقاب خاک کشیده‌اند و تنها **پروفسور بیگز** (Biggs) و **پروفسور برینکمن** (Brinkman) و **پروفسور سیویل** (Civil) در قید حیاتند که همگی به جز آخرین نفر، استادان زبان اکدی بودند و **سیویل** استاد زبان سومری شناخته می‌شد. اما استادی که همیشه با ایشان کار می‌کردم و راهنمایی رساله‌ام را بر عهده داشت و تنها استاد صاحب کرسی زبان ایلامی در جهان به حساب می‌آمد، مرحوم **پروفسور ریچارد هلک** (Hallock) بود که آثارش هم‌چنان جزو منابع دست‌اول است. یک ترم هم با خانم **هلن کنتور** (Kantor) باستان‌شناسی خوانده‌ام.

رساله‌ی دکتری‌تان را در مورد چه موضوعی نوشتید؟

- زمینه‌های جغرافیایی گِل‌نبشته‌های تخت‌جمشید بر اساس گِل‌نبشته‌های به‌دست‌آمده از آن‌جا.

کتیبه‌هایی که مطالعه می‌کردید، در ایران قرار داشتند یا آن کتیبه‌هایی است که در حال حاضر در شیکاگو محل مناقشه است؟

- تعدادی از آن‌ها به خزانه تعلق دارد که اکثرا در ایران است. گِل‌نبشته‌های بارو به جز ۱۵۰ تا ۱۷۰ عدد بقیه در شیکاگو هستند که البته من همان‌جا هم روی آن‌ها کار کرده‌ام و چاپ‌نشده‌هایی دارم که اگر بخواهم درباره‌ی آن‌ها توضیح دهم، داستانش طولانی می‌شود.

شما پیش از انقلاب، برای نخستین بار، لوحه‌ی کورش را خواندید و چاپ کردید...

- بله، چاپ اول این کتاب توسط «فرهنگستان ادب و هنر ایران» صورت گرفت که متن دستنویس آن، تنها متن دستنویس عین کتیبه در دنیاست. اما رونوشت انگلیسی‌ها چاپ استاندارد است؛ یعنی از حروف میخی استاندارد بدون توجه به دستنویس کاتب بهره برده‌اند. شیوه‌ی انگلیسی این بود که اول متن را می‌خواندند و بعد با حروف استاندارد، بدون توجه به دستنویس کاتب، می‌نوشتند.

دستنویس کاتب چه ویژگی‌هایی دارد؟

- دستنویس کاتب فرق می‌کند، همان‌طور که خط شما با خط چاپی تفاوت دارد. شیوه‌ی من دقیقا همان چیزی است که در دانشگاه پنسیلوانیا انجام می‌گیرد و البته بنیان‌گذار این نوع نسخه‌برداری، آلمانی‌ها هستند که عین کتیبه را با تمام ویژگی‌هایش به کاغذ برمی‌گردانند.

به نظر می‌رسد پیشنهادها و بازسازی‌هایی که در آن روزگار در مورد سطر ۳۶ لوحه‌ی کورش داشته‌اید، امروزه تقریبا همگی تأیید شده‌اند...

- ببینید، من کوشیدم سطر ۳۶ لوحه‌ی **کورش** را، که محل پیوستن دو قطعه به یکدیگر است، تا جایی که امکان دارد، بخوانم. البته پیشنهادهای جدید را ندیده‌ام و تنها از بروشور موزه‌ی ایران باستان، که ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی است، بهره برده‌ام. بنابراین، چون عین متن را نداشته‌ام، نمی‌توانستم مطابقت دهم و نظر ارائه کنم.

پس حدس‌ها و نظرات شما چگونه تأیید شده است؟

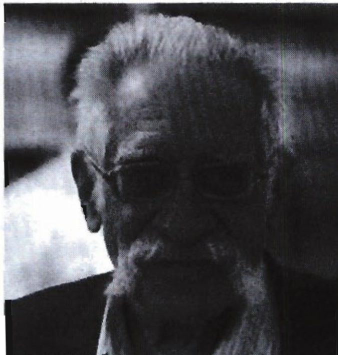
- من بر اساس آن‌چه در محل پیوستن نسخه‌ی نخستین و دومین دیده می‌شد، بازسازی را انجام دادم، حدس‌هایی زدم و پیشنهادهایی دادم. اما بعد از بازخوانی‌ام، در سال ۱۹۷۲ قطعه‌ای الحاقی از لوحه‌ی **کورش** توسط **پروفسور ریچارد برگر** (Berger) کشف شد. بدین ترتیب که ایشان دریافت قطعه‌ای که در موزه‌ی دانشگاه ییل آمریکاست و همه تصور می‌کردند از آن **نبونئید** است، به **کورش** تعلق دارد. بعد آن تکه را به انگلستان می‌برند و کنار فرمان **کورش** می‌گذارند و می‌بینند لوحه درست می‌شود. در نتیجه، موزه‌ی دانشگاه ییل آن را برای همیشه به موزه‌ی لندن (بریتیش میوزیم) قرض می‌دهد و تکه‌ی مورد بحث را به فرمان **کورش** می‌چسبانند و **پروفسور برگر** پس از خواندن، نظرات مرا تأیید می‌کند. اما نمی‌دانم متن جدید نظراتم را تصدیق یا رد می‌کند و این متن متأسفانه به دستم نرسیده و حتی وقتی در ایران بود، این امکان را نداشتم که نسخه‌ی جدید را بازبنویسم.

شما دو سال قبل کتاب گِل‌نبشته‌های باروی تخت‌جمشید را توسط انتشارات «دائره‌المعارف بزرگ اسلامی» به زیر چاپ بردید. کمی درباره‌ی ویژگی‌های این کتاب بفرمایید.

- وقتی دعوت شدم تالار کتیبه‌های موزه‌ی ملی را راه‌اندازی کنم...

پس شما این تالار را راه‌اندازی کردید؟

- بله. البته الان مدعیانی دارد. به هر حال، به گردآوری گِل‌نبشته‌ها پرداختیم. در آن وقت ۱۵۰ لوحه که از آمریکا به ایران بازگشته بود، به دستم رسید.

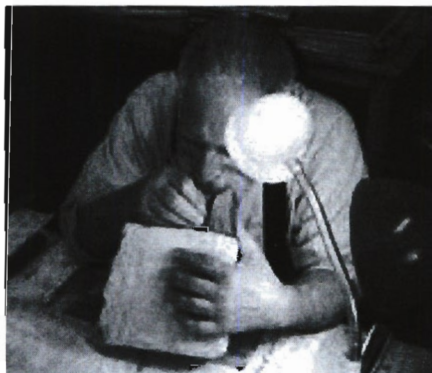


پیش از بازگشت کتیبه‌ها به ایران در سال ۲۷ یا ۳۱ شمسی - که البته تاریخ دقیق را اکنون به خاطر ندارم - **جرج کامرون** آن‌ها را خوانده، ولی هرگز چاپ نکرده بود. در سال ۱۳۴۸ که برای بهره‌گیری از تعطیلات تابستانی به ایران آمده بودم، استادم، شادروان **هلک**، بی‌این‌که کتیبه‌ها را به دقت دیده باشد، سه صفحه اصلاحات خود را به من داد تا کتیبه‌ها را بازبینی کنم و نتیجه را اطلاع دهم. در تابستان آن سال موفق نشدم این‌ها را بیابم، چون معلوم نبود کجا هستند. بعدها که تالار را راه‌اندازی کردیم، آن‌ها را یافتم و به ترجمه و خواندنشان، همزمان با کارهای دیگر در تالار کتیبه‌ها پرداختم. البته دوستان عزیزی آن‌جا بودند و با من کار می‌کردند، از جمله خانم **ملایری**، خانم **جلیلوند** و خانم **گیتا نیکخواه بهرامی**، که الان در آلمان درس می‌خوانند و به زودی دکترایشان را می‌گیرند. این خانم‌ها واژگان گِل‌نبشته‌ها را استخراج کردند که در واژه‌نامه‌ی پایان کتاب از آن بهره برده‌ام. بعد به دلایلی که جای بحث آن این‌جا نیست، از موزه بیرون آمدم و کار را رها کردم. اما آقایان **مهندس بهشتی و محیط طباطبایی** از من خواستند این دستنویس‌ها را به چاپ برسانم. پس از حدود هشت ماه کار در چاپخانه‌ی وزارت ارشاد، عکس‌هایی را که گرفته بودیم، آماده‌ی انتشار کردیم، ولی متأسفانه با تغییر مدیریت در سازمان میراث فرهنگی چاپ کتاب آن‌جا صورت نگرفت تا این‌که به توصیه‌ی **دکتر حسن رضایی باغ‌بیدی و دکتر علی بلوکباشی**، آقای **کاظم بجنوردی** بر من منت گذاشتند و پذیرفتند کتابی را که فیلم و زینک آن کاملا آماده بود، در سلسله انتشارات دائره‌المعارف بزرگ اسلامی به چاپ برسانند.

این کتیبه‌ها چه نکات مهمی را بازتاب می‌دهند؟

- تمام کتیبه‌های این کتاب، اسنادی هستند که از خزانه و باروی تخت‌جمشید به دست آمده‌اند و امور مالی را منعکس می‌کنند. اسناد

خزانه و گنجینه‌ی تخت‌جمشید دو نمونه بیش‌تر نیستند؛ یا دستور پرداخت و یا یادآوری پرداخت (یعنی رسید)اند و فرق عمده‌ای که با گِل‌نبشته‌های بارو دارند، این است که در این الواح در ازای بخشی از دستمزد کارگران سیم پرداخت شده، در صورتی که در گِل‌نبشته‌های بارو از پرداخت سیم نشانی در دست نیست. گِل‌نبشته‌های بارو از نظر مطلب متنوع‌اند. آن‌ها از آغاز کار اطلاع به دست می‌دهند و محل کالا، رسید و دریافت آن و ذخیره‌سازی کالا یا آذوقه و یا بذر را می‌نمایند و همین‌طور پرداخت‌ها به دریافت‌کننده‌ی غایی از شاه گرفته تا نوکران و کارگران، و نیز گزارشی از دام‌ها و ماکیان‌ها عرضه می‌دارند. هم‌چنین گزارش‌های سالانه و ماهانه و روزانه و سفرها و پرداخت‌های ویژه‌ی امور دینی، تعویض و تولید کالا، درست مثل دفاتر روزانه و کل امروزی که دخل و خرج‌ها را جمع‌بندی می‌کنند. آگاهی‌هایی که با خواندن این گِل‌نبشته‌ها به دست می‌آوریم، نخست این‌که شیوه‌ی دریافت و پرداخت امور مالی فارس را درمی‌یابیم و به نتایج مهمی در زمینه‌ی اقتصاد هخامنشیان می‌رسیم. دیگر این‌که با ردبندی مسؤولان امر آشنا می‌شویم و بسیاری واموا‌ژه‌های ایرانی که معنای بسیاری از آن‌ها را می‌دانیم و برخی هم به دست نیامده که به کار تحقیق ایران‌شناسان می‌آید. هم‌چنین آگاهی‌های جغرافیایی نزدیک به ۷۰۰ محل در ایالت فارس استخراج شده است که حدود ۳۰۰ یا ۳۵۰ شهر و ناحیه را روی نقشه‌ی امروزی ایران و فارس توانسته‌ام پیاده کنم و بقیه باید مطالعه شوند. به علاوه، نام‌های افراد و اشخاصی که آن‌جا خدمت می‌کرده‌اند و بسیاری از آن‌ها ایرانی و بعضی مصری، ساردی، ایلامی و غیره هستند، و نیز در مورد هزینه‌های اجرای مراسم ویژه‌ی دینی برای خدایان ایرانی و ایلامی آگاه می‌شویم. خلاصه اطلاعات زیادی به دست می‌دهند و در حقیقت بزرگ‌ترین گنجینه‌ی عهد باستان ما به شمار می‌روند و از آن‌ها اطلاعات دست‌اول می‌توان به دست آورد. ضمنا دانش زبان ایلامی ما را بالا می‌برند و درک ما را از این زبان بیش‌تر می‌کنند. اگرچه همین‌جا باید یادآوری کنم که فهم و دریافت هرچه بیش‌تر این گِل‌نبشته‌ها را مدیون کوشش‌های شادروانان **کامرون** و **هلک** هستیم.



شما با فاصله‌ی حدود سه دهه یا کمی بیش‌تر دوباره به سراغ لوحه‌ی کورش رفتید و به بازخوانی، تصحیح، برگردان و چاپ آن در سلسله انتشارات دائره‌المعارف بزرگ اسلامی پرداختید. این کار چه لزومی داشت؟

– خوب، برای این‌که چاپ اول تمام شده و کتاب نیازمند بازنگری بود و باید اطلاعات تازه‌ای بدان افزوده می‌شد که البته این کار کم و بیش با آوردن گِل‌نبشته یا استوانه‌ی **کورش** از انگلستان به ایران هم‌زمان شد.

در حال حاضر حداقل دو نفر دیگر را می‌شناسیم که مدعی هستند این استوانه را بازخوانی، تصحیح و چاپ کرده‌اند. در مورد این دو اثر چه نظری دارید؟

– البته من کار آن‌ها را ندیده‌ام. اما همه به‌سادگی می‌توانند از برگردان‌های لوحه به انگلیسی و آلمانی بهره ببرند و آن را به فارسی درآورند. اما تلاش من این بود که لوح **کورش** را به‌طور مستقیم از زبان اصلی بدون حاشیه‌پردازی و اضافه‌گویی به فارسی درآورم و البته تا جایی که برایم امکان داشت سیاق جمله‌ی متن را عینا در برگردانم بازتاب دهم.

شما کتابتان را برای استادانتان یا همکارانتان در دیگر کشورها هم فرستاده‌اید؟

– متأسفانه اکثر استادانم درگذشته‌اند و چون کتاب به فارسی درآمده برای بسیاری قابل استفاده نیست. اما سه دهه قبل، هنگام چاپ اول، از ناشر خواستم که کتاب را برای عده‌ای بفرستند. اما تا آن‌جا که بعدها دریافتم کتاب به دست استادان دانشگاه شیکاگو نرسید.

به نظر می‌رسد شما تنها شخصی هستید که در ایران در این زمینه کار می‌کند؟

– در ایران بودم. اما شاگردان خوبی دارم که اکنون در کشور آلمان تحصیل می‌کنند و در دوره‌ی دکتری تحصیل می‌کنند. البته اکنون **دکتر حسین بادامچی** که دکترایشان را از دانشگاه جان هاپکینز آمریکا گرفته‌اند و متخصص حقوق باستان و حقوق تطبیقی سامیان هستند، پس از بازگشت به ایران در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به تحقیق و تدریس مشغولند.

شما خبر دارید که چند لوحه یا گِل‌نبشته از این دست در شیکاگو وجود دارد؟

– حدود ۲۵۸۶ لوحه را مرحوم **هلک** پیش از مرگ خوانده است و این‌طور که به من اطلاع داده‌اند بین ۱۰ تا ۱۲ هزار گِل‌نبشته‌ی دیگر قابل خواندن وجود دارد. اکنون که حدود ۳۲ سال از درگذشت استاد شادروان **پروفسور هلک** می‌گذرد، تا آن‌جا که اطلاع دارم، در شیکاگو کسی اضافه بر آن‌چه وی خوانده و شرح کرده، کتیبه‌ای را قرائت نکرده است. تلاش من هم برای این‌که نهاد یا ارگانی بودجه‌ای را برای خواندن آن‌ها اختصاص دهد، به جایی نرسیده است. از سوی دیگر، از مؤسسه‌ی شرقی دانشگاه شیکاگو این اجازه را یافتم که خوانده‌های شادروان **هلک** را به انگلیسی و فارسی ترجمه کنم و به چاپ برسانم که متأسفانه بی‌پشتوانه و بی‌حمایت ماند.

آقای دکتر ارفعی، به نظر شما چه کسی حق دارد خود را مترجم لوحه‌ی کورش قلمداد کند؟

– ببینید هرکس می‌تواند از روی برگردان‌های زبان‌های دیگر این لوحه را ترجمه کند. اما در این مورد که مدعیان موردنظر آیا با زبان اصل لوحه آشنا هستند یا خیر، نظری ندارم و نمی‌توانم دقیقا اظهارنظر کنم. من نخستین مترجم ایرانی هستم که متن را از روی زبان اصلی به پارسی برگردانده‌ام. اما نخستین ترجمه‌ی لوحه به اواخر قرن نوزدهم بازمی‌گردد که ابتدا به زبان انگلیسی و سپس به آلمانی برگردانده شد و جالب است که بعدها بارها و بارها از ترجمه‌ی آلمانی به انگلیسی درآمد. تنها کسی که در این فاصله تحقیق منقحی درباره‌ی متن گِل‌نبشته‌ی **کورش** کرده، **پروفسور ریچارد برگر** است که من این پژوهش را که در سال ۱۹۷۵ به چاپ رسیده، دیده‌ام.

گاه چیزهایی در مورد کورش می‌گویند که از آن‌چه در کتیبه‌اش هم هست، فراتر می‌رود. از جمله مسأله‌ی لغو برده‌داری است، بی‌این‌که بیندیشند خود وی چه گفته و چگونه عمل کرده است

شناخت کورش

آقای دکتر، شما در حوزه‌ی زبان‌های باستانی ایران نیز کوشش‌هایی داشته‌اید و به‌خصوص در تدوین فرهنگ دوجلدی زبان پهلوی شادروان دکتر بهرام فره‌وشی، که انتشارات دانشگاه تهران آن را منتشر کرد، همکاری داشته‌اید...

– بله، من در تابستان سالی که کلاس سوم دبیرستان بودم، با کتاب‌های شادروان **پورداود** آشنا شدم. در دبیرستان دارالفنون ترجمه‌ی کارنامهٔ اردشیر بابکان روانشاد **دکتر محمدجواد مشکور** را خواندم و در سال ششم ادبی همین دبیرستان همراه با دوستی یهودی، هفته‌ای چند روز به آتشکدهٔ آدریان می‌رفتیم و شادروان **موبد رستم شهزادی** به ما اوستا و پهلوی درس می‌داد. در نتیجه وقتی وارد دانشگاه تهران شدم با این زبان‌ها بیگانه نبودم و می‌توانستم به هم‌کلاسی‌هایم در خواندن زبان پهلوی که مشکل‌تر است، کمک کنم. در تدوین فرهنگ پهلوی با دکتر فره‌وشی همکاری کردم و برگه‌های فیش آن شادروان را یکدست کرده و برایشان نوشتم و آماده ساختم.

این روزها در مورد کورش صحبت‌های شگفتی می‌شود و بعضی به نحو مبالغه‌آمیزی از او سخن می‌گویند...

– بله، مثلا برخی روز هفتم آبان ماه را روز تولد **کورش** می‌دانند، در حالی که در این روز او وارد بابل شد و این شهر را گشود. گاه چیزهایی می‌گویند که از آن‌چه در کتیبه‌اش هم هست، فراتر می‌رود. از جمله مسأله‌ی لغو برده‌داری است، بی‌این‌که بیندیشند خود وی چه گفته و چگونه عمل کرده است. **کورش** می‌گوید: من پیام صلح و آشتی را به همه‌ی شهرهای بین‌النهرین فرستادم و گفتم که کارزار و جنگ به پایان رسیده و مردم می‌توانند زندگی گذشته‌شان را ادامه دهند. اما برده‌داری در آن روزگار به دو شکل بوده است. یک نوع این‌که اسرای جنگی را به بردگی می‌گرفتند؛ مثلا پادشاهان بابل یهودیان را به زور به این شهر کوچانیده بودند که **کورش** به آن‌ها اجازه داد به سرزمین مادری‌شان بازگردند. اما شکل دیگری از برده‌داری را در بابل می‌بینیم و آن برده‌ی مالی است؛ مثلا کسی وامی از شخصی دریافت می‌کرد و نمی‌توانست به موقع آن را ادا کند در این صورت، خود این شخص یا زن و بچه‌هایش برای مدت معینی به بردگی شخص وام‌دهنده می‌رفتند. بسیاری از این بردگان، که به آن‌ها بردگان خانگی می‌گوییم، قابل خرید و فروش هم بودند و ضعف مالی، به این شکل از بردگی می‌انجامید. در دوره‌ی هخامنشی بردگی خانگی در بابل به چشم می‌خورد و **کورش** تغییری در این شیوه نداد. چون اگر دگرگونی بنیادی ایجاد می‌کرد، نمی‌توانست کشورهای مختلف را اداره کند. گاهی هم پادشاه، زمینی را به کسی می‌بخشید و در ازای آن، زیردستان آن فرد موظف بودند به صورت سرباز به حکومت خدمت کنند. البته نمی‌دانم این‌ها را هم می‌توان برده به حساب آورد یا خیر. به هر حال، ما به عنوان محقق موظفیم همه‌ی این موارد را به دقت بازگو کنیم. می‌دانیم که **کورش** برده‌داری جنگی را لغو کرده، ولی بردگی خانگی در بین‌النهرین وجود داشت.

آقای دکتر، خود شما چه ارزیابی از شخصیت کورش دارید؟

– به نظرم، شخصیتی است که تالی ندارد. زیرا هر جا رفته، کوشیده است خود را با فرهنگ مردم آن سرزمین سازگار کند روی همین اصل، پیش از تسخیر بابل و یا هر سرزمین دیگری، شهرت نیکنامی‌اش به آن‌جاها می‌رسیده است. به نحوی که مردم بابل علیه **نبونئید**، حکمرانشان، شورش کردند و وی هم آن‌ها را به شدت سرکوب کرد. نکته‌ی جالب این‌که می‌دانیم دو روز پیش از فتح بابل، سپهسالار **کورش** در شانزده کیلومتری این شهر بود و دو روز بعد، وی این شهر را به تصرف درآورد. حال اگر به دشواری جابه‌جایی نفرات سپاه در آن روزگار برای فتح شهرها توجه کنیم، به‌روشنی درمی‌یابیم که بابل بی‌جنگ به تصرف سپاه **کورش** درآمده است و این نشان می‌دهد که مردم خواهان او بوده‌اند. شیوه‌ی عمل **کورش**، پیش از آن هرگز به چشم نمی‌خورد و نبوده است. اگر متن‌های باستانی را بخوانید، می‌بینید که پادشاهان آشور و بابل همیشه از غنایم و اسرای بسیاری که گرفته و کوچ داده‌اند، دم می‌زنند در حالی‌که در کتیبه‌ی **کورش** از این موارد نشانی نیست. البته خیلی از فرمانروایان پیش از **کورش** از دادگستری و عدالت سخن رانده‌اند، اما به نظر نمی‌آید هیچ یک از آن‌ها آن‌قدر به سخنانشان عمل کرده باشند در حالی که نتایج کار **کورش** را می‌بینیم. اگرچه اسنادی در دست نداریم که بیش از این به شرح مسأله بپردازیم. به هر حال، فکر نمی‌کنم پادشاه و فرمانروایی در روزگار کهن در جای دیگری وجود داشته باشد که بتواند با **کورش** کوس برابری بزند.

از کتاب‌ها و آثار جدید خود بگویید؟

– در حال حاضر بر روی کتیبه‌ی بیستون کار می‌کنم. دو سال قبل، قراردادی با پایگاه بیستون بستم که البته هنوز قطعی نشده و مشکلاتی دارد ولی به هر روی، بخش‌های اکدی و ایلامی کتیبه را قرار است من بخوانم و بخش فارسی باستان آن را **دکتر جعفری دهقی** آماده می‌کنند. قرار است که متن‌ها را به کمک تصویرهای فتوگرامتری که چند سال پیش گرفته شده و عکس‌های لیزری که قرار بود گرفته شود، بخوانیم و بتوانیم نسخه‌ی دستنویس متن بیستون را همراه با حرف‌نویسی و آوانویسی متن و برگردانش و نیز واژه‌های هر یک، جداگانه بررسی کنیم و در ضمن

دریابیم که میزان تخریب آبی که سال‌هاست این کتیبه را درمی‌نوردد، از زمان **هنری راولینسون** که نخستین بار از آن نسخه‌برداری کرد، چه‌قدر بوده است. چون دشمن اصلی این سنگ‌نگاره، آبی است که از صخره بیرون می‌آید و تبدیل به جلبک شده و همه‌چیز را می‌خورد. البته آقای **دکتر ذوالفقاری** از دانشگاه تهران فتوگرامتری دقیقی انجام داده‌اند، اما متأسفانه چون با خط میخی آشنا نبوده‌اند، افتادگی‌هایی جزئی در کارشان وجود دارد که نیازمند آن است که یا خودمان پای تخته‌سنگ برویم یا عکس‌های لیزری دقیقی داشته باشیم تا بتوانیم متن منقحی برای چاپ ارائه دهیم. کار کتیبه‌ی ایلامی به پایان رسیده است و در حال حاضر بر روی واژه‌نامه‌ی اکّدی و تغییراتی که پس از بازنویسی هر سه متن ممکن است صورت بگیرد، پژوهش می‌کنم.

آقای دکتر، گفته می‌شود بخشی از کتاب‌های لاتین کتابخانه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی را شما تهیه کرده‌اید و همه می‌دانند کتاب‌های این کتابخانه مراجع اصلی هستند...

– می‌دانید که این کتابخانه پس از انقلاب اسلامی از تلفیق کتابخانه‌های چند مرکز معتبر پژوهشی شکل گرفته است.

من پس از بازگشت به ایران، هنگامی که در فرهنگستان ادب و هنر به تحقیق روی لوحه‌ی **کورش** و ترجمه‌ی آن مشغول بودم، پیشنهاد کردم مقداری کتاب و مجله در مورد خطوط میخی ایلامی، سومری و بابلی خریداری کنیم و با موافقت رئیس فرهنگستان چند میلیون دلار بودجه بدین منظور اختصاص یافت که کتاب‌ها و مجلات مذکور خریداری شد و اکنون در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نگهداری می‌شود که بی‌تردید از مراجع دست اول و اساسی هستند.

اگر شخصی دستور زبان ایلامی و اکّدی را نداند، می‌تواند ادعا کند که این متن‌ها را می‌فهمد؟

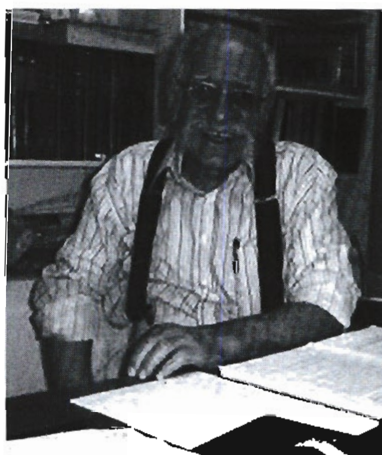
– نه، بی‌شک بدون دانستن دستور زبان این متن‌ها قابل فهم و دریافت نیست. اما ترجمه مقوله‌ی دیگری است و هرکس با دانستن یک زبان لاتینی می‌تواند کتابی را ترجمه کند. در هر صورت، پژوهش نیاز به درک و فهم درست متن و شناخت دستور زبان دارد.

تکمله:

عیلام یا ایلام؟

در مورد تفاوت میان دو شکل نوشتاری «ایلام» و «عیلام» که **دکتر ارفعی** به شکل اول می‌نویسند، دو دیدگاه وجود دارد: گروهی به شیوه‌ی ضبط واژگان در تورات گرویده‌اند و اشکال ثبت‌شده در متن عبری و یا برگردان‌های انگلیسی و فارسی آن را در نگارش مراعات می‌کنند. این دیدگاه تنها به فضای علمی ایران محدود نمی‌شود و در محیط آکادمیک غربی نیز برخی آشورشناسان شکل نگارش نام‌های بابلی و آشوری را بر شیوه‌ی اصیل آن ترجیح می‌دهند؛ مثلا از ضبط Nebuchad nezzar در نوشتارشان به جای شکل اصیل‌تر Nabu-kudurri-usur سود می‌جویند. شاید بتوان گفت که این دیدگاه، نگرشی تاریخی نسبت به ثبت و ضبط واژگان دارد و کم‌تر به اصول زبان‌شناسی می‌پردازد و مشکل واژگان را به شیوه‌ای که در «سنّت» نوشتاری تورات بازمانده است، می‌پذیرد. اما این نقطه‌نظر در خصوص واژه‌هایی که در تورات مابه‌ازایی ندارند، به بُن‌بست می‌رسد. بسیاری از نام‌های بابلی و آشوری در متون اقتصادی و حقوقی بازمانده است که پژوهشگر را وامی‌دارد عینا شکل نوشتاری کهن و اصیل آن را تکرار کند، هرچند به چشم و گوش خواننده‌ی غیرمتخصص ناآشنا بنماید.

دیدگاه دیگر، شکل اصیل واژگان کهن را بر پایه‌ی دلایل و منطق زبان‌شناسی برمی‌گزیند و **دکتر ارفعی**، به نظر می‌رسد، مدافع چنین نقطه‌نظری باشد. در مورد نام «ایلام» و تفاوت آن با «عیلام» ایشان بر این باورند که شکل دوم برداشتی نادرست از واژه‌ی اصلی است که در زبان و متون ایلامی به شکل Haltamti بازمانده، و محتملا شکل اکّدی Elamtu دگرگون‌یافته‌ی تلفظ اصلی و ایلامی آن بوده است. برخی بر این باورند که گزینش لوگوگرام سومری NIM – که یکی از معانی آن elu به معنی «بلند و مرتفع» است – برای صورت اکّدی Elamtu، مبنای یک اتیمولوژی عامیانه در زبان باستان بوده و این سرآغازی برای فرض ریشه‌ای سامی در نام «ایلام» و نیز استناد به صورت صرفی «علا، یعلوا» در عربی است. **دکتر ارفعی** این امر را بی‌اساس و غیرعلمی ارزیابی می‌کند و تصور این‌که ملّتی نام سرزمین‌شان را از زبانی بیگانه وام بگیرند، بعید و حتی محال می‌داند.



اکّد کجاست؟

مکان شهر یا سرزمین اکّد که در زبان سومری به شکل A.GADE[ki] و در زبان اکّدی به شیوه‌ی Akkadu نوشته شده، نامعلوم است؛ اما قدر مسلم این‌که در شمال سرزمین سومر قرار داشته است. برخی بر این باور هستند که نزدیک شهر «سیپّر» (Sippar) بوده و گروهی آن را حوالی «بغداد» می‌دانند، اما تعیین محل دقیق آن با آگاهی‌های موجود و کاوش‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته، ناممکن است. زبان‌های بابلی و آشوری در زمان باستان نیز «اکّدی» نامیده می‌شده‌اند.

توضیحی در مورد منشور حقوق بشر و اطلاق آن به کورش

اطلاق لفظ «منشور حقوق بشر» به استوانه‌ای که حدود ۲۵۰۰ سال پیش نگارش یافته، به لحاظ علمی و منطقی نادرست است. زیرا مفهوم «حقوق بشر» بسیار جدید است و در استوانه‌ی **کورش** چنین معنایی به چشم نمی‌خورد. اساسا تفسیر متون کهن و باستانی بر مبنای یافته‌های علوم انسانی مدرن (جدید) مبنای سوءتفاهم‌هایی می‌شود که برداشت ما از متون کهن را یکسره به بیراه می‌کشاند. در واقع لحن **کورش** در این استوانه، گفتار پادشاه بزرگ‌منشی است که با زیردستانش، به‌ویژه با ملت‌های مغلوب، به نیکی رفتار می‌کند و این البته با رعایت حقوق بشر و مسائل ناشی از آن متفاوت است.

IN THE NAME OF GOD
Ketāb Māh - e

History & geography (178)

Specialized Informative & critical monthly book review
■ **Proprietor:**
Iran Book House
■ **Editor in Chief:**
Habiballah Esmaili
■ **Editorial Staff::**
Dr. H. Hazrati, Dr. H. Rezayi Bagh-bidi, Dr. M. Farhani Monfared, Dr. H. Moftakhari, Dr. Sh. Yusefi-far
■ **Editorial Collaborator:**
Dr. Ali Tatari
Dr. Zohair Siamian
Dr. Pedram Jam
■ **Internal Director:**
Fateme Esmaili
■ **Editorship:**
Dr. Pedram Jam
■ **Table of Contents & Abstract:**
Dr. Javad Morshedlou
■ **Layout designer:**
Moad Tabari
■ **Printing & Supervisor:**
Rahman Kiani
■ **Printing & Binding:**
Printing and Publiclation dept. of the ministry of culture and Islamic Guidance.
■ **Subsciption & Distribution head:**
Bahman Mohebbi
■ **Subscription & Distribution**
Dept. tele: 88342985
■ **Address:**
No. 1178 Enghelab Av. , e , between saba and Palestine streets. P.O. B o x . 13145395-
■ **Tel:** 66495977
■ Website: www.ketabmah.ir
■ E_mail:
Ketabemah.tarikh@gmail.com
Habiballah_esmaili@yahoo.com

Table of Contents

Book of the month:
History & Geography
No. 178 Mar. 2013

